

ارزیابی معیار محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران

یونس بادآورندهی¹ / محسن حسنی²

چکیده

کمیته فنی سازمان حسابرسی در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه کاری را به عنوان یکی از مؤلفه های کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته، اما واژه محافظه کاری را به کار نبرده، بلکه از واژه احتیاط به جای آن استفاده نموده است. از آنجا که تعیین سود در حسابداری نسبتاً یک انتخاب بین ترکیب به هنگام و به تأخیر افتاده سودها و زیان های اقتصادی است، اصل محافظه کاری مشروط نیز بعنوان یک روش شناخت زیان به هنگام شناخته شده است. محافظه کاری مشروط، به مفهوم شناسایی به موقع اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود است. در این تحقیق، رعایت معیار محافظه کاری مشروط در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از اطلاعات صورت های مالی 80 شرکت، برای دوره زمانی 1388-1381 مورد بررسی قرار گرفته است. با بهره گیری از مدل های بال و شیوا کومار (2005)، نشان داده می شود که معیار محافظه کاری مشروط توسط شرکت های نمونه در دوره مورد بررسی، در نظر گرفته نشده است؛ به این معنی که شرکت های نمونه سودهای اقتصادی را سریعاً شناسایی نموده ولی زیان های اقتصادی را به تأخیر انداخته اند. این موضوع می تواند نشان دهنده استفاده از روش های حسابداری جسورانه در شرکت های غیرورشکسته باشد و نشان می دهد که وضعیت گزارشگری شرکت های غیر ورشکسته نمونه مطلوب نمی باشد. این شواهد دلالت بر وجود مشکل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات بین سهامدار و مدیر، در بورس اوراق بهادار تهران دارد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که ساختار قوانین و استانداردها ضعیف است، به طوری که اجازه دستکاری اقلام تعهدی و فعالیت های واقعی را فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: محافظه کاری، گزارشگری مالی، صورت های مالی، حسابداری.

طبقه بندی موضوعی: C02, C12, M41.

1. استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

2. عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور مرکز دلیجان M_hassani18@yahoo.com

مقدمه

در ایران و در سطح جهان، اغلب استانداردهای حسابداری حاوی الزاماتی برای به کارگیری رویه‌های محافظه کارانه هستند. گنجاندن چنین الزاماتی در متن استانداردها، بیش از هر چیز ناشی از توجه به ویژگی قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی است. بحثی که همواره در متون حسابداری مطرح بوده، آن است که آیا توجه به قابلیت اتکا، باعث نمی‌شود تا از مربوط بودن اطلاعات کاسته شود؟ برای پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، لازم است تا تحقیقاتی در خصوص محافظه کاری و آثار آن انجام شود. بدیهی است که پیش‌نیاز این امر، ابداع روش‌هایی برای کمی ساختن این مفهوم و اندازه‌گیری مقدار آن است. در این قسمت، نتایج تحقیقات پیشین را به طور خلاصه مرور می‌کنیم. پائیک و همکاران (Paeik, et al., 2007) نشان دادند که تصویب استانداردهای حسابداری حاوی رویه‌های محافظه کارانه، متضمن هزینه‌هایی برای بازار سرمایه است. این استانداردها پایداری و قابلیت پیش‌بینی سود را کاهش داده و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه را از مسیر تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی منحرف می‌سازند. نتایج چنین تحقیقاتی می‌تواند تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری را در ارزیابی منافع حاصل از تدوین استانداردها و رویه‌های محافظه کارانه، یاری رساند. علاوه بر این، یافته‌های این تحقیقات می‌تواند تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی را از تأثیری که قوانین مزبور بر محتوای صورت‌های مالی دارند آگاه سازد. اهمیت بررسی معیار محافظه کاری از آن جهت است که حسابداری محافظه کارانه، به وسیله دو ساز و کار بالقوه، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد: نخست، حسابداری محافظه کارانه می‌تواند بهترین خلاصه ممکن از اطلاعات قطعی، به غیر از قیمت سهام را درباره عملکرد جاری شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران فراهم سازد. دوم اینکه اطلاعات قطعی، معیاری را فراهم می‌کند که با استفاده از آن حتی می‌توان از منابع غیر قطعی هم اطلاعات معتبری را درباره سودهای تأیید پذیر کسب نمود. به همین دلیل صورت‌های مالی، سایر منابع اطلاعات را نیز به نظم در می‌آورند. برای تبیین تفاوت در شناخت به موقع سود و زیان میان شرکت‌های بورسی و غیربورسی نمی‌توان از مدل‌های مبتنی بر متغیرهای بازار استفاده کرد، زیرا سهام شرکت‌ها قبل از پذیرش در بورس داد و ستد نمی‌شوند. با توجه به این محدودیت، در این تحقیق از مدلی استفاده می‌کنیم که در آن صرفاً داده‌های موجود در صورت‌های مالی مورد نیاز باشد. مدل بال و شیواکومار که مبتنی بر رابطه همبستگی بین اقلام تعهدی و جریان نقد است و نیازی به متغیرهای بازار ندارد، منطبق بر این نیاز است. بدین منظور، این تحقیق به ارزیابی میزان رعایت معیار محافظه کاری مشروط در گزارشگری مالی، توسط نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

مبانی نظری

محافظه‌کاری حسابداری

از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، محافظه‌کاری به عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته شده حسابداری که به یکی از موارد زیر منتج می‌شود، تعریف شده است:

1. شناخت کندتر درآمد فروش 2. شناخت سریع‌تر هزینه 3. ارزیابی کمتر دارایی‌ها 4. ارزیابی

بیشتر بدهی‌ها

برخی از محققین حسابداری، محافظه‌کاری را به معنای تأثیر بیشتر اخبار بد بر قیمت اوراق بهادار واحدهای انتفاعی تفسیر کرده‌اند. این تفسیر با برخی از آزمون‌های استقرایی نیز پشتیبانی شده است. هیأت استانداردهای حسابداری مالی، در فهرست مفاهیم حسابداری شماره 2 تا حدودی از اهمیت محافظه‌کاری کاسته؛ زیرا در سلسله مراتب ویژگی‌ها ذکر آن به عمل نیاورده است. در حالی که امید بر این است که در تئوری حسابداری و تدوین استانداردهای موضوع، نقش محافظه‌کاری منتفی شود، بیور در تحقیق خود به نتیجه‌ای بسیار قطعی در این باره دست یافت. او ابراز داشت که در گزارش نمودن خبرهای بد (محافظه‌کاری) از مجرای صورت‌های مالی، در مقایسه با سایر منابع یا روش‌های افشای اطلاعات مالی نوعی مزیت نسبی مشاهده می‌شود. برای مثال، در گزارشات تحلیل‌گران مالی می‌توان نوعی تعصب مساعد یا مطلوب مشاهده کرد. از این رو، محافظه‌کاری می‌تواند موجب افزایش تعادل در کل جریان اطلاعات مالی شود که به استفاده‌کنندگان ارائه می‌گردد. بدیهی است که می‌توان تعداد بسیار زیادی نمونه محافظه‌کاری ارائه کرد که شامل گزارش کردن موجودی کالا بر مبنای اقل بهای تمام شده یا بازار و شناسایی (ثبت) زیان احتمالی شوند، ولی سود غیر عملیاتی احتمالی را شناسایی (ثبت) نمی‌کنند. همچنین بیور یادآور می‌شود که از نظر رعایت محافظه‌کاری یکسان در مورد تمام استانداردها مشکلات زیادی به وجود می‌آید. در حالی که تجزیه و تحلیل بیور در رابطه با محافظه‌کاری بسیار جالب است، پیشرفت‌هایی که در زمینه حل مسئله رویدادهای آینده رخ می‌دهد. می‌توانند نقش محافظه‌کاری را بسیار کمرنگ نمایند.

محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی

محافظه‌کاری غیر شرطی (پیش‌بینی شده یا مستقل از اخبار خوب و بد) بر جنبه‌هایی از فرایند حسابداری دلالت دارد که منجر به شناخت اولیه خالص دارایی‌ها به مبلغی کمتر از ارزش بازار آنها در طول عمرشان می‌شود. محرک اصلی محافظه‌کاری غیر شرطی، دشواری تعیین ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های خاص است. محافظه‌کاری شرطی (گذشته نگر یا وابسته به اخبار خوب و بد) بدین معناست

که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در شرایط نامساعد کاهش می‌یابد، اما در شرایط مساعد افزایش نمی‌یابد. محرک اصلی برای محافظه‌کاری شرطی آن است که در انگیزه‌های مدیران برای گزارش بهتر از واقع اعداد و ارقام حسابداری در شرایط نامساعد توازنی ایجاد شود.

پیشینه تحقیق

بیتی و همکاران (2008)، به بررسی شروط محافظه کارانه گنجانده شده در قراردادهای بدهی پرداختند. آنها بیان کردند هنگامی که هزینه‌های نمایندگی بدهی بالاتر است، این شروط قراردادی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال شواهد ایشان بیانگر این بود که شروط قراردادی تقاضای اعتباردهندگان برای محافظه‌کاری را به تنهایی برآورده نمی‌سازد؛ بنابراین برای کاهش هزینه‌های نمایندگی بدهی نیاز به استفاده از حسابداری محافظه کارانه نیز می‌باشد.

ژانگ (2008)، به بررسی مزایای حسابداری محافظه کارانه برای طرفین قراردادهای بدهی پرداخت. یافته‌های او نشان می‌داد که در صورت استفاده از حسابداری محافظه کارانه (وجود شروطی برای حسابداری محافظه کارانه در قرار داد بدهی)، چنانچه اعتبارگیرندگان این شروط را نقض نمایند اعتباردهندگان از مزایایی مانند سر رسید نمودن پیش از موعد بدهی و تحمیل جریمه ناشی از تخطی اعتبارگیرندگان، بهره‌مند می‌شوند. از طرفی اعتباردهندگان نیز نرخ بهره کمتری از شرکت‌های استفاده‌کننده از حسابداری محافظه کارانه طلب کرده و استقراض کنندگان نیز از مزایایی مانند نرخ بهره پرداختی کمتر، ناشی از کاهش هزینه‌های نمایندگی بدهی، منتفع می‌شوند.

لافوند و همکاران (LaFond, et al., 2008)، در پژوهشی به بررسی رابطه درصد مالکیت مدیران با محافظه‌کاری پرداختند. آنها مدل باسو را معیار محافظه‌کاری قرار دادند و اندازه شرکت، بدهی و ریسک ادعاهای حقوقی را متغیرهای کنترلی در نظر گرفتند. یافته‌های ایشان بازگو کننده این بود که بین نسبت بدهی با محافظه‌کاری رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ یعنی با افزایش سطح بدهی تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. همچنین بین اندازه شرکت با محافظه‌کاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

بندی و همکاران (2009) در تحقیقی به بررسی نقش محافظه‌کاری حسابداری در مربوط بودن و قابل اعتماد بودن سودهای جاری، پرداختند. نتایج آنها علاوه بر مطابقت با بیانیه شماره 2 مفاهیم حسابداری مالی، بیانگر این بود که محافظه‌کاری در حسابداری، قابل اعتماد بودن سود جاری را فدای مربوط بودن آن می‌کند. در این تحقیق، مربوط بودن به عنوان توانایی سود جاری در پیش‌بینی جریان-

های نقدی آتی و قابل اعتماد بودن به عنوان توانایی سود جاری در پیش‌بینی سودهای آتی در نظر گرفته شده است.

لی (Li, 2009) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر هزینه سرمایه» اثر محافظه‌کاری حسابداری بر هزینه سرمایه را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داد. وی دریافت که شرکت‌های مربوط به کشورهای با نظام گزارشگری مالی محافظه‌کارانه تر، هزینه سرمایه کمتری دارد.

مشایخی و همکاران (1388) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری سود پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که با افزایش محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، توزیع سود سهام کاهش می‌یابد. همچنین بنا به نتایج بدست آمده در این تحقیق، محقق نسبت به رد یا پذیرش این فرضیه که پایداری سود همزمان با افزایش میزان محافظه‌کاری حسابداری کاهش خواهد یافت، اظهار نظری ننموده است.

حسینی (1388) از بین ویژگی‌های هیأت مدیره، به بررسی درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و در صد مالکیت مدیران غیرموظف به عنوان متغیرهای مستقل پرداخته است و یافته‌های ایشان حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و محافظه‌کاری و نیز رابطه منفی و معنی‌دار بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و محافظه‌کاری می‌باشد.

امیری (1389) این گونه بیان نمود که نتایج حاصل از آزمون فرضیات، در مجموع حاکی از وجود رابطه معکوس و معنی‌دار بین مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری می‌باشد. این نتایج بیان می‌دارد که سهام بودن مدیران در مالکیت شرکت، تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه را کاهش می‌دهد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از شاخه تحقیقات شبه تجربی و نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است که بر اساس اطلاعات واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌گیرد. اطلاعات اساسی این تحقیق، اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها است. به همین منظور برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از بانک اطلاعاتی نرم افزار ره آورد نوین استفاده شده است. سپس با جمع‌بندی و محاسبات، داده‌های مورد نیاز در صفحه گسترده نرم افزار اکسل برای تجزیه و تحلیل آماده گردید. تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار SPSS نسخه 18 انجام شده است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گزارشگری مالی را بر اساس معیار محافظه‌کاری انجام می‌دهند.

فرضیه فرعی اول: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران سودهای اقتصادی را با تأخیر شناسایی می‌کنند.

فرضیه فرعی دوم: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران زیان‌های اقتصادی را سریعاً شناسایی می‌کنند.

جامعه و نمونه آماری

به منظور انجام تحقیق، نمونه آماری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد. این نمونه شامل شرکت‌هایی است که مجموعه شرایط زیر را داشته باشند:

1. شرکت‌هایی که از قبل از سال 1379 مورد پذیرش قرار گرفته باشند.
 2. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها 29 اسفند ماه هر سال باشد.
 3. شرکت‌هایی که در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداشته باشند.
 4. شرکت‌های سرمایه‌گذاری به دلیل ساختار خاص آنها انتخاب نمی‌شوند.
 5. شرکت‌هایی که داده‌های مورد نظر آنها در دسترس باشد.
- با توجه به مجموعه شرایط یاد شده، تعداد 80 شرکت در دوره زمانی 1381-1388 انتخاب شدند.

مدل‌های آزمون فرضیه تحقیق (نحوه سنجش محافظه‌کاری)

تحقیقات مالی زیادی در زمینه محافظه‌کاری در گزارشگری صورت پذیرفته است. پدیده «محافظه‌کاری» مفهومی قابل فهم است اما کشف و اندازه‌گیری آن به راحتی امکان پذیر نمی‌باشد. در طول دهه گذشته، اندازه‌گیری محافظه‌کاری با معیار زمان بندی نامتقارن درآمدها گسترش یافته است (آریان، 2006).

در این تحقیق برای اندازه‌گیری تفاوت سرعت شناسایی سودها و زیان‌های اقتصادی، از دو مدل سری زمانی و بر مبنای اقلام تعهدی، بال و شیوا کومار برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری مشروط استفاده می‌شود. دلیل عدم استفاده از مدل باسو در این تحقیق، پیشنهاد برخی مطالعات همچون دایتریچ و همکاران (Dietrich, et al., 2007)، برای استفاده از مدل‌هایی است که ضمن برخورداری

ویژگی‌های مدل باسو، بر مبنای بازار نباشند. توجیه منطقی برای انتخاب این مدل‌ها، تحقیقاتی است که مدل‌های تعهدی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (Deco, et al., 1995)؛ (Givoly, et al., 1996).

آزمون سری زمانی بر اساس پایداری تغییرات درآمد

باسو (Basu, 1997)، بال و همکاران (Ball, et al., 2005)، بیان کردند که عدم تقارن در شناسایی سودها و زیان‌های اقتصادی، باعث ایجاد تفاوت در پایداری و تکرار پذیری سودها و زیان‌ها می‌شود. زیان‌ها پایداری کمتری دارند و شناسایی به موقع آنها باعث می‌شود که به صورت شکی ناگهانی و غیر منتظره برای درآمد به نظر برسند. این در صورتی است که سود فقط در صورتی منعکس شود که جریانان نقدی تحقق یافته باشند و بنابراین به آنها به عنوان اجزای دائمی درآمد نگریسته می‌شود. باسو (Basu, 1997)، بر اساس این موضوع بیان نمود که "تمایل تغییرات منفی درآمد جهت معکوس شدن در دوره بعد، بیشتر از تغییرات مثبت درآمد است". تمایل تغییرات منفی درآمد برای معکوس شدن، توسط بروکس (1976)، و الگرس و لو (1994) به اثبات رسیده است.

با استفاده از مدل باسو (Basu, 1997) به عنوان نقطه شروع، بال و همکاران (Ball, et al., 2005) مدلی را برای اندازه‌گیری شناسایی به موقع سود و زیان درآمد حسابداری، به عنوان "تمایل جهت معکوس شدن افزایش یا کاهش در درآمد" گسترش دادند. در این تحقیق به پیروی از بال و همکاران (Ball, et al., 2005) مدل زیر، برای کل نمونه تحقیق تخمین زده می‌شود.

$$\Delta Net\ Income = j_0 + j_1 DNetIncome_{t-1} + j_2 \Delta NetIncome_{t-1} + j_3 DNetIncome_{t-1}$$

$$* \Delta NetIncome_{t-1} + \vartheta_t$$

در این مدل $\Delta NetIncome_t$ نشان دهنده تغییر در درآمد خالص از سال مالی $t-1$ تا t (ت-2 تا t-1) می‌باشد، که توسط کل دارایی‌های اول دوره، متوازن شده است. $DNetIncome$ متغیری مصنوعی است و هنگامی که تغییرات خالص درآمد سال قبل منفی باشد مقدار آن یک و در دیگر حالت‌ها مقدار صفر می‌گیرد.

همانگونه که توسط بال و شیواکومار توضیح داده شده است، "در صورتی که شناسایی سود، تا زمان محقق شدن وجه نقد مرتبط با آن به تعویق افتد آنگاه سود، قسمت پایدار درآمد خالص خواهد بود؛ به صورتی که تمایلی به معکوس شدن نداشته و بنابراین، Φ_2 برابر با صفر می‌شود". بنابراین آنها انتظار داشتند که در صورت استفاده از حسابداری محافظه کارانه، $\Phi_2 = 0$ باشد. در صورتی که مدیریت درگیر روش‌های حسابداری جسورانه شود و پس از دریافت اخبار خوب، شناسایی سود را

تسریع نماید، آنگاه تغییرات مثبت درآمد، به صورت قسمت موقت درآمد رفتار کرده و تمایل به معکوس شدن دارد. در این تحقیق، هنگامی که شرکت‌های نمونه را مورد بررسی قرار می‌دهیم، انتظار داریم ϕ_2 برابر با صفر باشد؛ زیرا انتظار این است که آنها بر اساس الزامات حسابداری، محافظه‌کاری مشروط را رعایت کرده باشند. به هر جهت، انتظار این است که در صورتی که شرکت‌های نمونه، به فعالیت‌های حسابداری افزایش دهنده درآمد به منظور پنهان نمودن عملکرد ضعیف شرکت روی بیاورند، ϕ_2 به صورت عمده‌ای منفی باشد. در ارتباط با زیان‌های اقتصادی، شناسایی به موقع آنها دلالت بر این دارد که "به عنوان کاهش درآمد موقتی شناسایی شده‌اند و بنابراین معکوس می‌گردند" (Ball, et al., 2005). همانگونه که آنها نشان دادند، استنتاج این است که در حالت ایده‌آل ϕ_3 منفی خواهد بود. به هر جهت، با فرض اینکه شرکت‌ها از روش‌های حسابداری جسورانه استفاده می‌کنند ($\phi_2 < 0$)، در صورتی که شناسایی زیان‌های اقتصادی را به تعویق بیندازند به صورتی که سودهای اقتصادی سریعتر از زیان‌های اقتصادی در درآمد منعکس گردد، انتظار می‌رود که ϕ_3 مثبت و عمده باشد ($\phi_3 > 0$). ϕ_3 مثبت نشان دهنده این است که زیان‌های اقتصادی به نسبت سودهای اقتصادی دارای پایداری بیشتری هستند. از طرف دیگر، این موضوع نشان دهنده انحراف شرکت‌ها از حسابداری محافظه کارانه و شناسایی کندتر زیان به نسبت سود می‌باشد.

آزمون بر مبنای تعهدی

همانگونه که بال و همکاران (Ball, et al., 2005) توضیح دادند، عدم تقارن در شناسایی سود و زیان باعث ایجاد عدم تقارن در اقلام تعهدی می‌شود؛ به این دلیل که احتمال شناسایی به موقع تر زیان‌های اقتصادی به عنوان هزینه‌های ایجاد شده محقق نشده در برابر درآمد وجود دارد. احتمال شناسایی سودهای اقتصادی، هنگام تحقق بیشتر است؛ بنابراین بر اساس مبنای نقدی به حساب گرفته می‌شوند. به عنوان دومین آزمون، همچون بال و همکاران (2005) از مدل زیر استفاده می‌کنیم:

$$TACC_t = \gamma_0 + \gamma_1 DC_t + \gamma_2 CFO_t + \gamma_3 DC_t * CFO_t + \theta_t$$

در این مدل TACC نشان دهنده اقلام تعهدی کل می‌باشد که بر کل دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است و به صورت تفاوت میان سود عملیاتی و وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی تعریف می‌شود. CFO معرف جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های اول دوره است. DC متغیری مصنوعی است و در صورت منفی بودن CFO مقدار DC یک و در دیگر حالت‌ها صفر است. براساس مستندات دکو (Deco, 1994) و دکو و همکاران (Deco, et al., 1998)، که ارتباط منفی

بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی را نشان دادند، بال و همکاران (Ball, et al., 2005)، انتظار داشتند تا γ_2 منفی شود تا منعکس کننده ارتباط منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی باشد.

بال و همکاران (Ball, et al., 2005)، γ_3 را مثبت پیش بینی کردند دلیل آنها بر اساس این فرض بود که هنگامی که شرکت‌ها جریان‌های نقدی منفی دارند احتمال در نظر گرفته شدن زیان‌ها بیشتر است. در حقیقت بر اساس محافظه‌کاری مشروط، در هنگام وقوع زیان‌های اقتصادی، کاهش درآمد و جریان‌های نقدی در یک دوره اتفاق می‌افتد و در نتیجه ارتباط منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی در دوره‌هایی با اخبار بد، کاهش می‌یابد؛ که نتیجه آن مثبت شدن γ_3 است. در وضعیتی که حسابداری جسورانه استفاده شده باشد، γ_3 منفی خواهد بود. در صورتی که مدیران درآمدها را به سمت بالا دستکاری کنند (با حذف اقلام تعهدی منفی یا کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته)، ارتباط منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی حتی در دوره‌های با اخبار بد افزایش می‌یابد و باعث منفی شدن γ_3 می‌شود (حسابداری جسورانه). در صورتی که مدیران واقعی سود پردازند و فروش‌ها و به تبع آن حساب‌های دریافتی را افزایش دهند اما جریان‌های نقدی تغییری نکنند، این وضعیت نیز باعث ایجاد اقلام تعهدی مثبت‌تر در دوره‌های با جریان نقدی منفی می‌شود و مجدداً به ایجاد رابطه منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی حتی در دوره‌هایی با اخبار بد کمک می‌کند لذا باعث ایجاد منفی شدن γ_3 می‌شود. در نتیجه، راهبردهای افزایش درآمد، از طریق دستکاری ارقام حسابداری و یا دستکاری فعالیت‌های واقعی باعث منفی شدن ضریب γ_3 می‌شود.

آزمون فرضیه

به منظور آزمون فرضیه تحقیق در گام نخست معادله (1)، را برای کل شرکت‌های نمونه، برازش می‌کنیم.

جدول (1) آزمون سری زمانی شناسایی به موقع سود و زیان بال و شیواکومار

سال شرکت	Durbin-Watson	Adj-R-sq	ANOVA (Sig.)	(P-value)	(P-value)	(P-value)	Intercept (Pvalue)
640	1/791	0/891	0/000	0/990 (0/000)	-0/987 (0/000)	-0/048 (0/000)	0/059 (0/000)

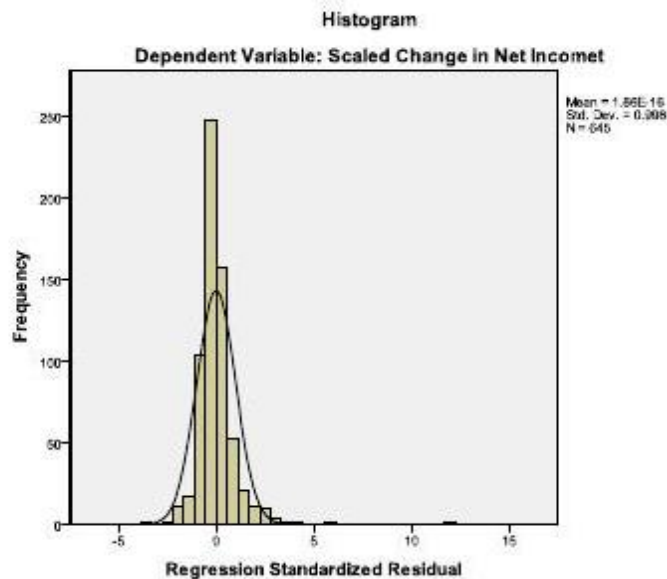
به منظور انجام آزمون سری زمانی شناسایی به موقع سود و زیان معادله زیر برای مدت 8 سال، بر نمونه آماری برازش می‌کنیم.

$$\Delta NetIncome_{t-1} + \vartheta_t^*$$

$$\Delta Net Income = j_0 + j_1 DNetIncome_{t-1} + j_2 \Delta NetIncome_{t-1} + j_3 DNetIncome_{t-1}$$

جدول (1) نشان دهنده ضرایب برازش شده معادله (1)، به همراه سطوح معنی داری ضرایب و اطلاعات تکمیلی می باشد.

شواهد موجود در جدول (1)، نشان دهنده معنادار بودن مدل و تمامی ضرایب در سطح 95 درصد می باشد. اگر آماره دورین - واتسون بین 1.5 و 2.5 باشد، بین اجزای خطای مدل همبستگی وجود ندارد که در اینجا، این آماره (1.791) نشان می دهد که همبستگی خطی وجود ندارد. در مدل برازش شده، شرایط نرمال بودن و همگنی واریانسها (ANOVA) محقق شده است.



همانگونه که مشاهده می شود ضریب ϕ_2 ، نماینده محافظه کاری، به صورت عمده ای منفی و معنی دار است (-0/987) و بر خلاف انتظار به صفر نزدیک نیست. از طرفی ϕ_3 ، نماینده شناسایی به موقع سود، به صورت عمده ای مثبت و معنی دار است. بنابراین هر دو نتیجه بدست آمده از آزمون شناسایی به موقع سود و زیان، با استفاده از روش های سری زمانی، نشان می دهند که مدیران شرکت های نمونه، معیار کیفی محافظه کاری مشروط را رعایت نمی کنند. بنابراین می توان چنین استدلال کرد که شرکت های نمونه، از روش های حسابداری جسورانه استفاده کرده اند. در نتیجه بر اساس مدل مبتنی بر سری زمانی بال و شیواکومار فرضیه های فرعی و اصلی که بر رعایت محافظه کاری توسط شرکت های نمونه مبتنی بودند، رد می شود.

به منظور کسب شواهد بیشتر و تقویت نتایج تحقیق در گام بعد معادله (2) را برای کل شرکت‌های نمونه برازش می‌کنیم. جدول (2) نشان دهنده ضرایب برازش شده معادله (2)، به همراه سطوح معنی داری ضرایب و اطلاعات تکمیلی می‌باشد.

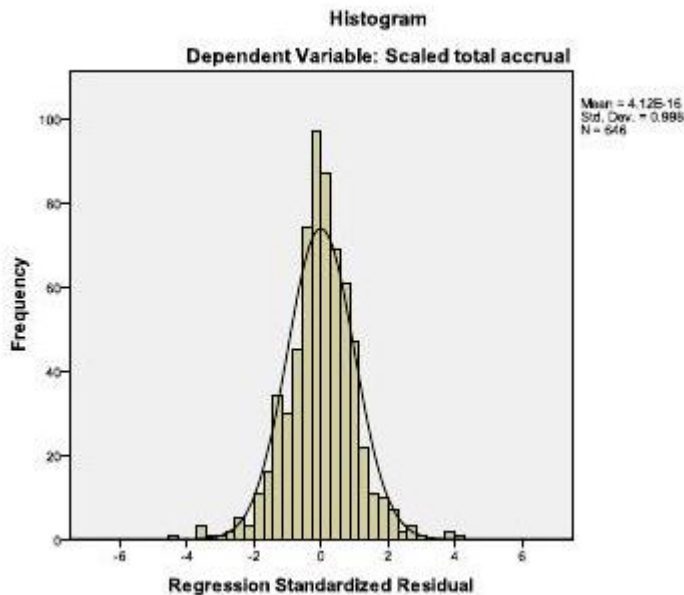
جدول (2) آزمون بر مبنای تعهدی شناسایی به موقع سود و زیان بالو شیواکومار

سال شرکت	Durbin-Watson	Adj-R-sq	ANOVA (Sig.)	(P-value)	(P-value)	(P-value)	Intercept (P-value)
640	1/784	0/237	0/000	-0/508 (0/003)	-0/416 (0/000)	0/035 (0/147)	-0/054 (0/000)

به منظور حجم آزمون بر مبنای تعهدی شناسایی سود و زیان، معادله زیر را به مدت 8 سال، بر نمونه آماری برازش می‌کنیم.

$$TACC_t = \gamma_0 + \gamma_1 DC_t + \gamma_2 CFO_t + \gamma_3 DC_t * CFO_t + \theta_t$$

شواهد موجود در جدول (2) نشان دهنده معنی دار بودن مدل و ضرایب در سطح 95 درصد می‌باشد. اگر آماره دورین - واتسون بین 1.5 و 2.5 باشد، بین اجزای خطای مدل همبستگی وجود ندارد که در اینجا، این آماره (1.784) نشان می‌دهد که همبستگی خطی وجود ندارد. در مدل برازش شده، شرایط نرمال بودن و همگنی واریانس‌ها (ANOVA) محقق شده است.



بررسی داده‌های جدول (2)، نشان می‌دهد که بر اساس انتظار، γ_2 منفی و معنی‌دار است و ارتباط منفی میان ارقام تعهدی و جریان‌ات نقدی را نشان می‌دهد. ضریب γ_3 نیز به صورت عمده‌ای منفی و معنی‌دار است. منفی بودن ضریب γ_3 نشان دهنده شناسایی با تأخیر زیان‌های اقتصادی می‌باشد. بنابراین همانند مدل قبل، عدم رعایت محافظه‌کاری توسط این مدل نیز به اثبات می‌رسد و مجدداً فرضیات تحقیق رد می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی مدل‌های بال و شیواکومار نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، محافظه‌کاری مشروط رعایت نشده است؛ به این معنی که شرکت‌های نمونه به شناسایی سریعتر سود و به تأخیر انداختن شناسایی زیان پرداخته‌اند؛ لذا فرضیه سوم، تأیید نمی‌شود.

این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده استفاده از روش‌های حسابداری جسورانه در شرکت‌های غیرورشکسته باشد و نشان می‌دهد که وضعیت گزارشگری شرکت‌های غیر ورشکسته نمونه مطلوب نمی‌باشد. این شواهد دلالت بر وجود مشکل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات بین مالک و نماینده (سهامدار و مدیر)، در بورس اوراق بهادار تهران دارد. تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی بهتر، ارقام حسابداری با محافظه‌کاری بیشتری ارائه می‌نمایند. نتایج این تحقیق نشان دهنده این است که ساختار قوانین و استانداردها ضعیف است، به طوری که اجازه دستکاری ارقام تعهدی و فعالیت‌های واقعی را فراهم می‌آورد و در نهایت باعث ایجاد افزایش ریسک عملیاتی می‌گردد.

اگر استانداردهای اندازه‌گیری کم و کاستی داشته باشند نباید انتظار داشت استانداردهای افشاء بتوانند نتایج عملکرد یعنی سود و وضعیت مالی ترازنامه را به نحو مطلوب برای تصمیمات اقتصادی در اختیار استفاده‌کنندگان و بازار قرار دهد. یک پزشک علاوه بر شرح حال گذشته بیمار خود و اندازه‌گیری قد و وزن او، اندازه‌های دیگر نظیر فشار خون، چربی خون، قند و غیره را برای اظهار نظر وضعیت بیماری بایستی در دست داشته باشد تا بتواند به نحو مطلوب نظر خود را اعلام کند.

در مجموع عدم حضور محافظه‌کاری مشروط در فعالیت‌های حسابداری، باعث افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود که در نهایت بر اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سهامداران تأثیرگذار است.

منابع و مأخذ:

1. آزاد، ع. 1389 تعریف و مفهوم محافظه‌کاری در حسابداری، مجله حسابداری رسمی، شماره 20، صفحه 125 تا 129.
2. بنی مهد، ب. و باغبانی، ت.، 1388 اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه‌ی شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 58، صفحه 53 تا 70.
3. رضا زاده، ج. و آزاد، ع. 1387 رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 54، صفحه 63 تا 80.
4. قائمی، م. و وطن پرست، م.، 1384 بررسی نقش اطلاعاتی حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 41، صفحه 85 تا 103.
5. کردستانی، غ. و بیگی لنگرودی، ح.، 1387 محافظه‌کاری در گزارشگری مالی بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی عملکرد، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 52، صفحه 89 تا 106.
6. Ahmed, A.S., and Duellman, S.,(2005). "Evidence on the Role of Accounting Conservatism in Corporate Governance", working paper, Syracuse University. On line, <http://www.ssrn.com>.
7. Basu, S., (1997). "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings", Journal of Accounting & Economics, 24,3-37.
8. Beekes, W., P.Pope and S. Young,(2004). "The Link between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board Composition: Evidence from the U.K.", On line, <http://www.ssrn.com>.
9. Chandra, U., C.Wasley and G. Wymore,(2004). "Income Conservatism in the U.S. Technology Sector," On line. <http://www.ssrn.com>.
10. Dietrich, J.R., K.L. Muller and E.J.Riedl, (2006). "Asymmetric Timeliness Tests of Accounting Conservatism", On line. <http://www.ssrn.com>.
11. Francis, J., LaFond, R.Z., Olsson, P. and K. Schipper, (2003). "Costs of Capital and Earnings Attributes," On line, <http://www.ssrn.com>.
12. GivAoly, AD., and C. Hayn, (2000). "The Changing Time Series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: has Financial Reporting Become More Conservative?", On line, , <http://www.ssrn.com>
13. Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan. (2006). "Measuring Conservatism", On line. <http://www.ssrn.com>.

14. Gul, F.A., Srinidhi,B.and T.Shieh,(2002).“ The Asian Financial Crisis, Accounting Conservatism and Audit Fees: Evidence from Hong Kong.” On line. [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
15. Huijgen. C.and M. Lubberink, (2003). “ Earnings Conservatism, Litigation, and Contracting: The Case of Cross- Listed Firms.” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
16. Cao, Y.and C.J.Lee,(2002). Asymmetry in Earnings Returns Relations: The Case of China,” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
12. Krishnan, G.V.,(2003).“Did Houston Clients of Arthur Andersen Recognize Publicly Available Bad News in a Timely Fashion?” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
17. Kwon, S.S., (2002).” Value Relevance of Financial Information and Conservatism: High- Tech versus Low-Tech Stocks,” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
18. LaFond,R., Roychowdhury,Ssss., (2007).” Managerial Qwnership and Accounting Conservatism”, On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
19. LaFond,R. and Watts,R., (2006).” The Information role of Conservative Financial Statements” . On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
20. Lim, R., (2006).” Relationship between Corporate Governance and Accounting Conservatism: Australian Evidence” ,On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
21. Pae, J., D.Thornton and M.Welker, (2005).” The Link between Earnings Conservatism and the Price to Book Ratio” . On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
22. Pope, PF.and M. Walker, (1999).“ International Differences in the Timeliness, Conservatism and Classification of Earnings” , On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
23. Price, R.A., (2005). “Accounting Conservatism and the Asymmetry in the Earnings Response to Current and Lagged Returnes” , On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
24. Raonic, I., S. Mclay and I. Asimakopoulos, (2004).“ The Timeliness of Income Recognition by European Companies: An Analysis of Institutional and Market Complexity,” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
25. Roychowdhury,S.and Watts, R.(2006).” Asymmetric Timeliness of Earnings, Market- to- Book and Conservatism in Financial Reporting” . On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
26. Shivakumar, K.and G. Waymire., (2003).“ Enforceable Accounting Rules and Income Measurement by Early 20 Century Railroads,” On line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
27. Watts, R.L., (2003a).“ Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications”, Accounting Horizons, 2003, 207-221.
28. Watts, R.L., (2003b).“ Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Reaearch Opportunities,” Accounting Horizons, 287-301.